

۲۰۰ هزار طرح بنگاه‌های کوچک کارآفرین می‌باشد که تاکنون از سوی وزارت کار مورد تأیید قرار گرفته است.

دولت ابتدا باید با تعریف مسیرهای سبز، مطابق الگوهای حاکم بر دنیا در جهت حمایت از کارآفرینی، فضای کسب و کار مناسب را برای ترویج کارآفرینی فراهم کند. پس از این مرحله، می‌توان حمایت‌های دولت را به ترتیب زیر رتبه‌بندی کرد: (۱) حمایت مالی، (۲) حمایت بازاری (کمک در بازاریابی برای فروش و عرضه کالا و خدمات)، (۳) حمایت تأمین انرژی اعم از آب، برق، گاز و همچنین سایر تسهیلات مورد نیاز کارآفرین، (۴) اصلاح و وضع قوانین در جهت تسهیل اجرای طرح، (۵) حمایت تکنولوژیک در جهت آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی دقیق و به روز و (۶) حمایت فنی. متأسفانه در کشور، خدمات درست ارائه نمی‌شوند و از جایگاه مناسبی برخوردار نیستیم، چراکه روابط بر ضوابط حاکم است. اما نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که تحقق اهداف اقتصادی اسناد کشور منوط به توجه بیشتر مسوولان به مقوله کارآفرینی است. ■

می‌دهند با راه‌اندازی سالانه ۱۰۰ هزار فرصت کسب و کار ۱۰ نفره، می‌توان ۷ درصد از رشد مورد نظر اقتصاد را تأمین کرد که این امر می‌تواند مشکل بیکاری را به طرز قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده و از شدت آن بکاهد. جالب‌تر آن که این موارد کارآفرینی، حتی می‌تواند کسب و کار خانگی را هم شامل شود. شاید اگر در قوانین کار بازنگری شود و کسب و کارهای خانگی در ایران - همچون بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا - به رسمیت شناخته شوند، بخش عمده‌ای از مشکل بیکاری کشور برطرف خواهد شد. از سوی دیگر، حمایت از بنگاه‌های کوچک در بسیاری از کشورهای بزرگ جهان در قالب برخی سازمان‌های حامی، امری مرسوم است. در این رابطه می‌توان به مراکز حمایت از بنگاه‌های کوچک تجاری آمریکا اشاره کرد. گزارش‌ها حکایت از نقش فعال شرکت‌های کوچک تجاری و تولیدی با کارکنان زیر ۵ نفر در رشد اقتصاد این کشور دارند، به طوری که ۴۰ درصد از تمام کارخانه‌های آمریکا و ۷۵ درصد از مشاغل جدید ایجاد شده در آن کشور وابسته به مشاغل کوچک می‌باشند. این در حالی است که رقم مذکور در کشور ما در حدود

### سیاست فرهنگی و اقتصادی ایران در آمریکای لاتین

## همسایه‌های دور!



ظرفیت‌های موجود در کشورهای آمریکای لاتین، می‌تواند شرایط تثبیت موقعیت ایران را در آن منطقه فراهم آورد؛ منطقه‌ای که هراس آمریکا را از ارتباط با ایران بر می‌انگیزد.

منطقه آمریکای لاتین به طور سنتی به مناطقی از قاره آمریکا گفته می‌شود که زبان اسپانیولی و پرتغالی در آن رایج است. از منظر سیاسی و اجتماعی، منطقه آمریکای لاتین یا آمریکای جنوبی، کشورهای مرکزی و جنوبی آمریکا را شامل می‌شود. آمریکای لاتین در واقع شامل ۲۰ کشور مستقل و چندین واحد سیاسی وابسته بوده که برزیل، بزرگترین کشور این قاره از نظر مساحت و جمعیت می‌باشد. از نظر سیاسی، منطقه آمریکای لاتین خواستگاه نهضت‌های آزادی‌بخش و ضدامپریالیستی منطقه بوده است. مکزیک، کوبا و بولیوی از جمله کشورهایی بودند که در نهضت‌های آزادی‌بخش فعال بودند. در حال حاضر با توجه به شرایط بین‌المللی آمریکای لاتین، بعد از چند دهه کشمکش‌ها و قدرت‌طلبی‌های احزاب در داخل، این کشورها به ثبات نسبی رسیده‌اند. در سال‌های اخیر، آمریکا به عنوان بزرگترین شریک اقتصادی و تجاری کشورهای آمریکای لاتین، نگاه خود را به این کشورها تشدید نموده است. مشکلات اقتصادی جهانی و وجود ذخایر عظیم کشاورزی، نفت، گاز و مواد معدنی در این منطقه، موجب شده تا کشورهایی همچون روسیه، ژاپن، چین، هند و ایران نسبت به این منطقه سیاست‌های جدیدی اتخاذ نمایند.

یک قدرت منطقه‌ای در راستای توسعه مناسبات بین‌المللی از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی روابط خود را با کشورهای آمریکای لاتین توسعه داده و در واقع می‌توان گفت تعاملات بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین در راستای اهداف مشترک دو منطقه خاورمیانه و آمریکای لاتین می‌باشد. ولی گسترش حضور ایران در آمریکای لاتین موجب حساسیت و نگرانی مقامات آمریکایی گردیده است. آمریکاییان که در گذشته از آن منطقه به عنوان حوزه امنیت ملی و منافع ملی خود یاد می‌کردند، در حال حاضر با حضور قدرت‌هایی همچون ایران در آن منطقه احساس ناامنی می‌کنند و به همین جهت سعی دارند با توسل به طرق مختلف، نفوذ ایران را در آمریکای لاتین کم‌رنگ و یا تضعیف نمایند. ابراز احساس نگرانی کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، از اعلام سفر رییس‌جمهور کشورمان به آمریکای لاتین و برزیل و اظهارنظرهای ضدایرانی وی، بیانگر عمق نگرانی آمریکاییان می‌باشد. به هر حال، سیاست ایران در آمریکای لاتین بر محور توسعه سه جانبه با تمام کشورهای منطقه بوده است.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که تغییرات سیاسی در آمریکای لاتین، همچون باران بهاری می‌باشد. به همین جهت در صورتی که ما نسبت به حضور خود در آمریکای لاتین استراتژی لازم را تبیین نکنیم، در بلندمدت به نتایج مورد نظر نایل نخواهیم شد و از سوی دیگر به علت تنوع گرایش‌های سیاسی و فرهنگی مردم کشورهای آمریکای لاتین، ما نیازمند اتخاذ سیاست خاص با شرایط آن کشور برای هر یک از کشورهای منطقه هستیم. به تعبیر دیگر، اگرچه ایران در ونزوئلا توانسته است از کانال سیاسی به توسعه اقتصادی دست یابد، ولی باید این نکته را بداند که با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی کشوری همچون برزیل، باید از کانال اقتصادی به نتایج سیاسی دست یافت و باید گفت آمریکای لاتین در حال حاضر به قطب اقتصادی و سیاسی تأثیرگذاری در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. ■

آمریکاییان که در دهه‌های گذشته نفوذ خود را در این منطقه تثبیت نموده بودند در حال حاضر با بحران هویت و حضور در این منطقه مواجه شده‌اند که این امر از دو علت ناشی می‌گردد: اولاً تمرکز سیاست خارجی آمریکا به خاورمیانه و کشورهای آسیای میانه و قفقاز، موجب دوری این کشور از منطقه آمریکای لاتین گردیده است. علت دیگر، ظهور قدرت‌ها و رقابت اقتصادی و سیاسی جدید در عرصه بین‌المللی و اقتصادی همچون روسیه، چین و هند در حوزه آمریکای لاتین می‌باشد. در حال حاضر، به علت نیروی کار ارزان و بالا رفتن توان صنعتی برخی کشورهای آمریکای لاتین همچون برزیل - که در واقع طبق آمار سازمان‌های جهانی، هشتمین اقتصاد جهان را دارد - باعث گردیده است آمریکاییان همچون گذشته نتوانند سیاست‌های خود را در این منطقه پیش ببرند. از سوی دیگر، تحریک احساسات ضد آمریکایی و به قدرت رسیدن رؤسای جمهور ضد آمریکایی همچون مورالس و چاوز، موجب تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست‌های خارجی خود و به منظور ایجاد ارتباط با کشورهای مستقل، توسعه روابط را با آمریکای لاتین در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی به عنوان یک اولویت در سیاست خارجی قرار داده